

اخلاق پوهک



قطب نماي مسير اخلاق و تربيت

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا مَنْ يَعْلَمُ مَرَادَ الْمُرِيدِينَ

سرشناسه: عزیزی، مرتضی، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور: اصول خانواده درمانی در اسلام / مرتضی عزیزی؛ ویراستار: مهران اسلامی.
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی هنری اخلاق و تربیت نبوی قم، انتشارات اخلاق و تربیت، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص. ۱۷ × ۲۴ س.م.
شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۳۵۲۳ - ۵ - ۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Mortaza Azizi, Ethics and education Publications.
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۲۹] - ۱۳۹.
موضوع: روان درمانی خانواده -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
Family psychotherapy -- Religious aspects -- Islam
زناشویی -- ارتباط -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
Communication in marriage -- Religious aspects -- Islam
خانواده‌ها -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
Families -- Religious aspects -- Islam
رده‌بندی کنگره: BP۲۳۲/۶۵
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۸۷۲۲۷

WWW.EAEP.IR

اصول خانواده درمانی در اسلام

مؤلف: مرتضی عزیزی
ناشر: انتشارات اخلاق و تربیت
ویراستار: مهران اسلامی
صفحه‌آرا: علی اخروی
طراح جلد: سید محمد باقر داودی
نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۲
شمارگان: ۱۰۰ نسخه
شماره مسلسل انتشار: ۱۸
شماره مسلسل چاپ اول: ۱۵



تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر متعلق به ناشر است

قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

انتشارات اخلاق و تربیت

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۳۹۲۵۹

همراه: ۰۹۹۴ ۱۱۸ ۷۷۲۷

اخلاق بهک



قطب‌نمای مسیر اخلاق و تربیت



انتشارات اخلاق و تربیت

اصول خانواده درمانی در اسلام

مرتضی عزیزی

سال ۱۴۰۲

تقديم به:

خانواده‌ای آسمانی که زندگی اعضای آن، به وسعت خدا بود...
خانه سوره «هَلْ أَتَى...» و بیت آیه «يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ...»
فاطمه عليها السلام و پدرش صلی الله علیه و آله و همسرش علیه السلام و فرزندان علیهم السلام.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
مقدمه.....	۱۱

فصل اوّل مفاهیم و کلیات

مفاهیم.....	۱۷
۱) مبانی.....	۱۷
۲) اصول.....	۱۷
۳) خانواده.....	۱۸
۴) خانواده‌درمانی.....	۱۸
۵) منابع اسلامی.....	۱۸
روند‌گزینش مبانی.....	۱۹
اصول؛ برخاسته از مبانی.....	۲۰
کاربردها.....	۲۴

فصل دوم مبانی و اصول هستی‌شناختی

مبانی هستی‌شناختی.....	۲۵
------------------------	----

۲۶	 ربوبیت خداوند
۲۶	 لزوم واسطه فیض
۲۷	 وجود جهان پس از مرگ
۲۹	 خیر و زیبا بودن جهان
۳۰	 تدریجی بودن تغییرات
۳۱	 دنیا؛ جایگاه رنج و سختی
۳۳	 اصول هستی‌شناختی
۳۳	 خدامحوری
۳۴	 الگوگیری از پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام
۳۵	 توسل
۳۶	 معادباوری
۳۹	 خوش‌بینی و خوش‌گمانی
۴۱	 صبر، استقامت و تدبیر

فصل سوم

مبانی و اصول انسان‌شناختی

۴۷	 مبانی انسان‌شناختی
۴۷	 معناگرایی انسان
۵۱	 زیبادوستی انسان
۵۳	 کرامت انسان
۵۴	 ضعف و نقص انسان
۵۶	 وجود تفاوت‌های جنسیتی
۵۷	 مکملیت زن و مرد
۵۹	 نیاز انسان به انس و الفت
۶۱	 سیستمی بودن خانواده
۶۳	 اصول انسان‌شناختی



۶۳	 دین‌مداری
۶۵	 پاکیزگی و آراستگی
۶۶	 عفت‌ورزی
۶۷	 تکریم همسر و فرزندان
۶۸	 سپاسگزاری و قدردانی
۶۹	 نرمش در زندگی (رفق و مدارا و...)
۷۱	 انتقاد‌پذیری
۷۲	 حفظ جایگاه‌های خانوادگی و رعایت مرزهای خانوادگی
۷۴	 مرزهای خانواده از دیدگاه اسلام
۷۵	 گفت‌وگو و هم‌نشینی سالم
۷۶	 نیک‌رفتاری و محبت‌ورزی
۷۹	 همدلی، توافق و تفاهم
۷۹	 راست‌گویی، یک‌رنگی و امانت‌داری
۸۱	 پرهیز از خشونت
۸۲	 همکاری
۸۳	 مشاوره
۸۵	 حکمت

فصل چهارم

مبانی و اصول ارزش‌شناختی، فقهی و اخلاقی

۹۱	 مبانی ارزش‌شناختی، فقهی و اخلاقی
۹۲	 (۱) ارزشمندی و تقدس ازدواج و خانواده
۹۵	 (۲) سرپرستی مرد
۹۶	 (۳) ارزشمندی فرزند و فرزندآوری
۹۸	 (۴) وساطت در تشکیل خانواده
۱۰۱	 (۵) مطلوبیت اصلاح ذات‌البین

۱۰۲	۶) مطلوبیت اصلاح روابط خانوادگی
۱۰۳	۷) چارچوب‌های حقوقی
۱۰۴	الف) حقوق مشترک زن و شوهر
۱۰۵	ب) حقوق زن
۱۰۵	ج) حقوق مرد
۱۰۵	د) حقوق فرزندان
۱۰۵	هـ) حقوق والدین
۱۰۶	۸) آسیب‌پذیری خانواده
۱۰۷	الف) آسیب‌های کلی
۱۰۷	ب) آسیب‌های مشترک زوجین
۱۰۸	ج) آسیب‌های مرتبط با مرد
۱۰۸	د) آسیب‌های مرتبط با زن
۱۰۸	اصول ارزش‌شناختی، فقهی و اخلاقی
۱۰۸	۱) ارضای صحیح و متعادل غریزه جنسی
۱۱۱	۲) مدیریت متعادل خانواده
۱۱۵	۳) فرمان‌برداری زن نسبت به شوهر
۱۱۶	۴) برخورد صحیح اسلامی با همسر ناسازگار (نشوز زوج)
۱۱۶	الف) ناسازگاری و نشوز زن
۱۱۷	سه راه حل قرآن کریم در خصوص حل نشوز
۱۱۸	ب) ناسازگاری و نشوز مرد
۱۱۹	۵) حفظ فرزند و فرزندپروری صحیح
۱۲۱	آسیب‌های تک‌فرزندی
۱۲۲	۶) رعایت حقوق و انجام وظایف
۱۲۳	۷) رعایت حدود فقهی و اخلاقی در مداخلات خانواده‌درمانی
۱۲۵	۸) التزام به ترک عوامل آسیب‌زا
۱۲۹	❖ فهرست منابع و مآخذ

سخن ناشر

آموزه‌های اسلامی فرصت زندگی خوب و متعالی را برای انسان‌ها ایجاد کرده است. در طول تاریخ، اسلام‌شناسان بسیاری در راه تبیین آموزه‌های اسلامی، متناسب با نیازهای جامعه تلاش کردند. با این وجود انقلاب اسلامی، فرصت ویژه‌ای را در اختیار دانشمندان علوم اسلامی قرار داد تا آموزه‌های ناب را از دریای معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام استخراج کنند و در اختیار جامعه علمی و عموم مردم قرار دهند. در این راستا یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها، تدوین و ترویج علوم انسانی با رویکرد اسلامی است و امروزه بسیاری از دانشمندان و اسلام‌شناسان دغدغه تدوین علوم انسانی با رویکرد اسلامی دارند.

از اهداف انتشارات اخلاق و تربیت، چاپ و انتشار آثار و پژوهش‌های بنیادین و کاربردی در راستای توسعه اخلاق و روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد اسلامی است که تا کنون با همت اساتید، پژوهشگران و دانش‌پژوهان در این حوزه، کتاب‌های متعددی به زیور طبع آراسته و در اختیار جامعه علمی و عموم مردم قرار داده است.

کتاب پیش رو، با عنوان *اصول خانواده‌درمانی در اسلام* نمونه‌ای از همین آثار است که با تلاش پژوهشگر ارجمند جناب آقای مرتضی عزیزی نگارش یافته است. ویژگی این کتاب، ارائه مبانی خانواده‌درمانی، مستقل از اصول آن و مطرح کردن



اصول، متناظر با مبانی و مبتنی بر آن است که در آثار دیگر پژوهشگران مورد توجه نبوده است. در این اثر، کنشگران، مشاوران و روان‌درمان‌گران حوزه خانواده با مبانی و اصول خانواده‌درمانی بر اساس منابع اسلامی، به صورت منسجم آشنا می‌گردند. انتشارات اخلاق و تربیت، توفیق روزافزون پژوهشگر محترم این اثر را از خداوند متعال خواستار است.

قم مقدس

انتشارات اخلاق و تربیت

مقدمه

خانواده، نخستین کانون رشد و آرامش انسان است که مراقبت از آن، مسئولیتی سنگین به‌شمار می‌آید.^۱ خانواده به‌عنوان کهن‌ترین نظام در جوامع بشری، مناسب‌ترین کانون برای تأمین نیازهای جسمی و روان‌شناختی اعضا، بهترین بستر برای پرورش نسلی کارآمد و معتقد به ارزش‌های دینی و اجتماعی و زمینه‌ساز تأمین نیازها است؛ اما خانواده مانند تمام نهادهای ارزشی، در معرض انواع آسیب‌ها و آفت‌هایی است که سلامتی، استواری و پویایی آن را تهدید می‌کند. در سال‌های اخیر، نظام خانواده، دچار مشکلات اساسی شده و تمامیت آن زیر سؤال رفته است. تحت تأثیر تحولات اجتماعی، صنعتی و علمی، در بیشتر جوامع (از جمله ایران)، مشکلات متعددی برای خانواده پدید آمده است. اختلاف‌های خانوادگی، طلاق، فرزندان بی‌سرپرست و بزه‌کاری نوجوانان و جوانان، نشان‌دهنده مشکلات اساسی در خانواده‌ها می‌باشد.^۲

می‌توان گفت در عصر حاضر، روابط مناسب با همسر و تربیت فرزندان به سادگی چند دهه پیش نیست و در اثر گستردگی ارتباط‌ها و سهولت آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، نظام خانواده، سبک زندگی و دیگر جنبه‌ها تحت تأثیر فرهنگ‌های غیر اسلامی، به‌ویژه فرهنگ غربی، دائماً در حال تغییر بوده و استحکام آن در معرض خطر واقع شده است. خانواده در قرن حاضر، به‌عنوان یک عطف تناقض که مسائل مختلفی

۱. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۲)، *مفاتیح الحیاء*، ص ۲۳۳.

۲. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۰)، *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*، ص ۱.



را نیز به دنبال می‌آورد، نمود پیدا کرده است و بحران ناشی از آن، کل نظام جامعه را تهدید می‌نماید طوری که بسیاری از جامعه‌شناسان و سیاست‌مداران بازگشت به ارزش‌های خانواده را به عنوان شاخصی، جهت سلامت و قدرت زندگی اجتماعی توصیه می‌کنند.^۱ در سطح اجتماعی نیز آرامش و امنیت در یک جامعه، حاصل ازدواج سالم و محیط آرام‌بخش خانواده است؛ اما در دهه‌های اخیر، این آرامش و امنیت، در پی اختلال‌های خانوادگی، دچار مخاطره‌هایی شده است. آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی^۲ و نشانگر دشواری زوجین در نیل به رضایت زناشویی است، خود دلیل روشنی بر این مطلب است.^۳ داده‌های آماری نشان می‌دهد، سالانه در آمریکا در هر دو ازدواج، یک طلاق صورت می‌گیرد. در تعدادی از کشورهای اروپایی، هر سال بیش از سیصد طلاق در هزار ازدواج، واقع می‌شود.^۴ در ایران نیز، آمار طلاق رشد فزاینده‌ای داشته است. در سال ۱۳۹۰، به ازای هر ۱۰۰ ازدواج، به میزان ۱۶/۳۳ طلاق و در سال، به ازای هر ۱۰۰ ازدواج، ۱۸/۱۱ طلاق در کل کشور رخ داده است.^۵ همچنین آمار طلاق در سال ۱۳۹۰، حدود ۱۳/۲۴ درصد نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش داشته است.^۶

باتوجه به این آسیب‌ها، اصلاح روابط بین فردی اعضای خانواده در جهت حل مشکلات و مسائل اعضا، مورد توجه روان‌درمانگران و مشاوران، قرا گرفته است. در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰، (بعد از جنگ جهانی دوم) و گردهمایی مجدد اعضای خانواده بعد از جدایی‌ها، رویکردی با عنوان «خانواده‌درمانی» شکل گرفت. در واقع خانواده‌درمانی به عنوان شاخه جدیدی از علم روان‌شناسی، در نیمه دوم قرن بیستم پدید آمد. جنبش خانواده‌درمانی عمدتاً تحت تأثیر نظریه سیستم‌ها، گسترش درمان روان‌کاوی به حوزه خانواده، پیدایش مراکز راهنمایی کودک و مشاوره زناشویی و گروه‌درمانی شکل

۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، ص ۱۶۸.

۲. کیم هالفورد، (۱۳۹۳)، نقل از سالاری‌فر: زوج‌درمانی اسلامی، ص ۱۷.

۳. همان، ص ۱۹.

۴. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۱)، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نهادهای اجتماعی، ص ۱۶۳.

۵. پایگاه اینترنتی مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۳).

۶. پایگاه اینترنتی سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۳).



گرفت. در این نگرش و رویکرد، هنجارها و ناهنجاری‌های رفتار فرد در بستر خانواده، تجزیه، تحلیل، ادراک و درمان می‌شود.^۱

خانواده درمانی مداخله‌ای است که بر تغییر ارتباط‌های بین اعضای خانواده متمرکز است و در آن تلاش می‌شود کارکرد خانواده به عنوان واحدی متشکل از تک‌تک اعضای خانواده بهبود یابد. روان‌درمانگران و مشاورانی که به خانواده درمانی می‌پردازد، می‌کوشند با نقش‌های خانواده و خرده فرهنگ مخصوص آن، آشنا شوند و الگوهای بین نسلی غیرقابل انعطاف و مرزهایی را که سبب ناراحتی در درون افراد یا در روابط بین فردی می‌شود، درهم بشکنند. در فرآیند خانواده درمانی، الگوهای ارتباطی تکرار شونده و در نهایت قابل پیش‌بینی کشف می‌شود که رفتار فردی را که بیمار به حساب می‌آید، تداوم می‌بخشد و نیز بازتاب آن است.

در خانواده درمانی، آموزش، پیشگیری و درمان برای کمک به خانواده‌ها، کل خانواده را دربرمی‌گیرد. برای حل مشکل خانواده یا یکی از اعضای آن، کل خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود علل بروز و عوامل تشدیدکننده مشکل در داخل خانواده و در نوع روابط اعضا با یکدیگر، مورد بررسی قرار گیرد. این شیوه از درمان، مبتنی بر رویکرد سیستم‌هاست و معتقد است زمانی می‌توان به رفع یک مشکل، نائل شد که از نیروی تک تک اعضا استفاده کرد و عوامل تنش‌زا را مرتفع ساخت.

در این میان، دین اسلام، نگاه مقدسی به ازدواج و نهاد خانواده دارد.^۲ در متون اسلامی به آموزه‌های پرشماری برخورد می‌شود که از جهات مختلف، به تحکیم نهاد خانواده پرداخته است. قرآن کریم و احادیث اسلامی در مسائل اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، روان‌شناختی، اقتصادی خانواده و نظایر آن، سخنان فراوانی گفته‌اند^۳ که استخراج این مضامین، به صورت دقیق و تخصصی و بهره‌گیری از آن در زندگی، جهت پیشگیری از آسیب‌ها و مشکلات خانواده و درمان آن، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

۱. بهاری، فرشاد و همکاران (۱۳۹۰)، *خانواده درمانی، تاریخچه، نظریه، کاربرد*، ص ۱۳.

۲. ر. ک: «تَنَاقَضُوا تَنَاسَلُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمُ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ»، (کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)،

ج ۵، ص ۶۱).

۳. در بخش‌های آینده، شمار زیادی از این آموزه‌ها ارائه خواهد شد.



اسلام برای تشکیل خانواده، اهداف فردی و اجتماعی مهمی را در نظر گرفته که تحقق کامل آنها، جز در سایه وجود خانواده‌ای مستحکم و باثبات، امکان‌پذیر نیست. از این رو، ثبات و استحکام خانواده، دارای جایگاهی مهم در میان ارزش‌های اسلامی است و همین امر باعث صدور احکام و توصیه‌های فراوانی در جهت تحکیم خانواده گردیده که می‌توان آنها را در قالب مجموعه‌ای از راهکارها ارائه نمود.^۱ با این وجود، به نظر می‌رسد، خانواده‌درمانی اسلامی، نیازمند مبانی و اصولی است که ضرورت دارد براساس منابع اسلامی، تدوین و ارائه گردد؛ چرا که خانواده‌درمانی در رویکرد روان‌شناختی متعارف خود، ریشه در مبانی و اصول دنیای غرب و انسان‌شناسی غیراسلامی دارد و شکل‌گیری آن، بر اساس بهره‌گیری از منابع اسلامی نبوده است. رویکرد خانواده‌درمانی، نسبتاً جدید است و ظهور رسمی آن، به دهه‌های ۱۹۴۰، ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برمی‌گردد. در سال ۱۹۳۸ شورای ملی روابط خانوادگی شروع به کار کرد. در سال ۱۹۴۸ اولین اثر درباره زناشویی درمانی توسط «بلامتیل من» منتشر شد و مطالعه خانواده‌های اسکیزوفرنیک توسط «لایمن» صورت گرفت. در خلال سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ «ناتان آکرمن» رویکرد روان‌تحلیلی را برای کار کردن با خانواده‌ها مطرح کرد و «بیتسون» مطالعه الگوهای ارتباط را در خانواده آغاز کرد و «کارل ویت» اولین کنفرانس را درباره خانواده‌درمانی در سی‌ایسلند ایالت جورجیا، برگزار کرد.^۲

مبانی علوم انسانی رایج (غربی) مبتنی بر مبانی اومانیزم و سکولاریسم بوده که آثار و نتایج آن قابل پذیرش اسلام نیست و در حوزه انسان‌شناسی انسان محوری در برابر خدا محوری و تک‌ساحتی بودن انسان را مطرح می‌کنند. در روی‌آوردهای خانواده‌درمانی در روانشناسی معاصر، مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و دیگر زمینه‌های مرتبط و اصول متخذ از این مبانی بر اساس جهان‌بینی مادی و غیرالهی است. در این نوع از جهان‌بینی ارزش‌ها و هنجارهای دین حاکم نیست و شناخت و درمان خانواده بر مبنای تجارب بشری صورت می‌گیرد که در معرض خطا یا همراه با نقصان است. به عنوان نمونه کلومدائز (به نقل از اسپری و کارلسون، ۲۰۰۹) با توجه به وضعیت خانواده در

۱. بستان، حسین (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی.

۲. تاد، جودیت (۱۳۸۵)، اصول روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ص ۱۵۴-۱۵۵.



جوامع غربی، مفید بودن سلسله مراتب و مرتبه‌بندی در خانواده را مورد تردید قرار می‌دهد و اسپری و کارلسون (۲۰۰۹)^۱ ساختار سلسله مراتب را وسیله‌ای برای سرکوب زنان می‌دانند؛ به طور قطع این نوع نگرش‌ها سستی بنیان خانواده را در پی خواهد داشت. در خانواده‌درمانی معاصر به ارزش‌هایی چون خدامداری، دین‌مداری توجهی نمی‌گردد بنابراین محور اصلاح روابط هم قرار نمی‌گیرد. اسلام در مورد ماهیت انسان و خوب یا بد بودن او، دیدگاه جامعی را ارائه می‌دهد و یکسویگی برخی مکاتب انسانی را ندارد. در این دیدگاه، انسان دارای قدرت اراده و توانایی‌هایی است و برخلاف روانکاوی، وجود اراده و آزادی انسان را نفی نمی‌کند و او را تابع عوامل جبری یا محدودیت‌های اجتماعی نمی‌داند و همچون رفتارگرایان، او را تحت کنترل عادات خویش نمی‌داند. با این حال، او کاملاً مستقل از عوامل دیگر عمل نمی‌کند که بتواند همچون نظر انسان‌گرایان در ارضای نیازهایش مستقل و خودمختار عمل کند. هریک از دیدگاه‌های روانشناختی در مورد ماهیت انسان، گاه به برخی مفاهیم اسلام و نظریات او در این مورد، نزدیک و گاه از آن، دور می‌شوند. به هر حال هریک از آنها نظریات انسانی هستند که توسط خود انسان در مورد ماهیت انسان مطرح شده‌اند. چنین نظریاتی مسلماً نیاز به تجدید نظر و تکامل خواهند داشت.^۲

این ضرورت، مبتنی بر این باور است که اسلام به عنوان برنامه‌ای جامع، همان طور که در تمام حوزه‌های انسانی دارای نفوذ است؛^۳ بنابراین در حیطه درمان آسیب‌ها، اختلال‌ها و مشکلات خانواده نیز دارای مبانی و اصول خاص خود خواهد بود. اسلام توجه زیادی به نهاد خانواده نموده و آن را محبوب‌ترین بنیان، عنوان کرده است^۴ و از آنجا که خانواده مانند دیگر نهادها در معرض آسیب‌ها، اختلال‌ها و مشکلاتی قرار دارد،^۵

۱. کارلسون، جان و همکاران (۱۳۸۸)، خانواده درمانی، تضمین درمان کارآمد.

۲. دانشنامه رشد.

۳. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»، (نحل، ۸۹).

۴. «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّوْبَةِ»، (عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳).

۵. «لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ؛ هَرْ شَيْءٍ أَسِيبِي دَارِدٌ»، (علی بن حسام الدین، (متقی هندی) (۱۳۸۵)، کنز العمال، ح ۴۴۲۲۶).



رهنمودها و آموزه‌های بسیاری جهت پیشگیری از این آسیب‌ها، اختلال‌ها و مشکلات و درمان آن در منابع اسلامی دیده می‌شود.^۱

گفتنی است با وجود تلاش‌های قابل تقدیر پژوهشگران خانواده در حوزه منابع اسلامی، اما تاکنون اثر مستقلی در حوزه مبانی و اصول خانواده‌درمانی در اسلام، نگاشته نشده است؛ لذا در این کتاب، تلاش شده است، مبانی و اصول خانواده‌درمانی در اسلام تدوین و ارائه گردد. امید است این کوشش، مورد استفاده جامعه علمی، مشاوران و روان‌درمان‌گران قرار گیرد و گامی در حل مشکلات خانواده‌ها و افزایش کارآمدی و رضایتمندی آنان به شمار آید. این کتاب مشتمل بر چهار فصل است. فصل اول به مفاهیم و کلیات می‌پردازد. فصل دوم مبانی و اصول هستی‌شناختی خانواده‌درمانی را ارائه می‌نماید. فصل سوم مبانی و اصول انسان‌شناختی را مطرح می‌نماید. فصل چهارم به مبانی و اصول ارزش‌شناختی، فقهی و اخلاقی اختصاص دارد.

بدیهی است این اثر به تنهایی قابلیت مطرح شدن به عنوان الگویی برای درمان مسائل خانواده را ندارد و باید در خصوص خانواده‌درمانی به نظریه‌پردازی و ارائه الگوهای کارآمد پرداخت. کتاب پیش‌رو، مسیر تدوین و اعتبارسنجی نظریه‌ها، الگوها و فنون خانواده‌درمانی با نگرش اسلامی را روشن می‌سازد. همچنین روشن است که مبانی و اصول مطرح در کتاب ممکن است به طور مستقیم به خانواده و تحکیم آن مرتبط باشد اما به این حیث که خانواده‌درمانگر در مداخلات خود نیاز به آموزش آن به خانواده‌ها و یا توجه به این مبانی و اصول دارد در این کتاب تحت عنوان مبانی و اصول خانواده‌درمانی آمده است. این کتاب برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره است. این اثر با راهنمایی حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا احمدی و مشاوره حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا سالاری فر به ثمر نهشته است. بر خود لازم می‌دانم از این دو استاد بزرگوار کمال تقدیر و تشکر را به عمل آورم.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

مفاهیم

(۱) مبانی^۱

واژه مبانی در لغت، جمع مکسر مبنا و به معنای بناها، بنیان‌ها، شالوده‌ها و ساختارها است.^۲ در واقع، مبانی هر پدیده یا علم در بردارنده پایه‌ها، چهارچوب، اسکلت و ساختار اصلی آن پدیده یا علم است. آنچه در این اثر، مبانی خوانده می‌شود، «باورهای کلی و هست و نیست‌های مبتنی بر منابع اسلامی در حوزه خانواده و خانواده‌درمانی است». این مبانی با گستره‌ی خود مداخلات در خانواده توسط درمانگران را تنظیم می‌نماید.

(۲) اصول^۳

واژه اصول در لغت جمع مکسر اصل و به معنی ریشه‌ها، بنیادها، زیربنا و زیرساخت‌های اصلی است.^۴ اصول، قواعد، مفاهیم کلی و تکیه‌گاه‌های نظری هستند که با توجه به آنها،

1. Assumptions.

۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱۳، ص ۳۲۴.

3. Principles.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۲۷.

خود را به‌سوی اهداف مورد نظر سوق می‌دهیم، یعنی با توجه به اصول، به منظور رسیدن به اهداف، روش‌ها را انتخاب می‌نماییم. آنچه در این اثر، اصول خوانده می‌شود «بایدها و نبایدها و قواعد عامه‌ای است که از مبانی خانواده و خانواده‌درمانی بر اساس منابع اسلامی، استخراج می‌شوند و دستور العمل‌های کلی خانواده‌درمانی» به شمار می‌آیند. در این نگاه، اصول، مبتنی بر مبانی هستند.

(۳) خانواده^۱

خانواده از عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین یک مرد و یک زن شکل می‌گیرد و در آن، مناسبات خونی یا اسنادیافته (پذیرش فرزند) به چشم می‌خورد، معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است و معمولاً کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی، تربیتی و ... را برعهده دارد.^۲

(۴) خانواده‌درمانی^۳

شکلی از درمان کل خانواده به عنوان یک گروه است که توسط یک یا دو درمانگر انجام می‌شود. در این نوع درمان، آسیب‌شناسی یا بیماری یکی از اعضای خانواده، انعکاس پاتولوژی یا اختلال‌های عمیق‌تر در سیستم خانواده تلقی می‌شود؛ لذا خانواده، واحد درمانی به حساب می‌آید و تغییر تعامل خانواده، راه تغییر عضو بیمار محسوب می‌شود.^۴

(۵) منابع اسلامی^۵

آموزه‌های اسلام به اتفاق نظر همه اسلام‌شناسان، از دو منبع قرآن و سنت، به دست می‌آید.^۶

1. Family.

۲. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، ص ۱۳.

3. Family Therapy.

۴. تبریزی، مصطفی (۱۳۸۵)، فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده‌درمانی، ص ۱۵۴.

5. Islamic sources.

۶. عقل (و در بعضی فرق اسلامی، اجماع) نیز، در کنار دو منبع نقلی ذکر شده، منابع اسلامی غیرنقلی به شمار می‌آیند.



قرآن، کتاب آسمانی همه مسلمانان و سنت، نزد شیعیان دوازده امامی، شامل گفتار و رفتار و تقریر^۱ همه چهارده معصوم یعنی پیامبر خاتم^ص، فاطمه زهرا^{علیها السلام}، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب^{علیه السلام} و یازده امام^{علیهم السلام} پس از ایشان است.

روند گزینش مبانی

همان‌طور که گذشت، منظور از مبانی، «باورهای کلی و هست و نیست‌های مبتنی بر منابع اسلامی در حوزه خانواده و خانواده‌درمانی» است. استخراج مبانی بر اساس یک خط سیر مشخص پژوهشی انجام شده و ارائه گردیده است. در این راستا، ابتدا مبانی تعریف شده و بر اساس تعریف آن، اطلاعات مناسب از منابع اسلامی گردآوری شده است. در گزینش بخش‌های مشخص از منابع اسلامی خصوصیات مدنظر قرار گرفته است؛ این اطلاعات می‌بایست به‌گونه‌ای از منابع اسلامی گزینش می‌شدند که اولاً در حوزه خانواده و خانواده‌درمانی باشند و ثانیاً در قالب "باورهای کلی و هست و نیست‌ها" قرار گیرند. در این راستا، نخست، در حوزه مذکور، اطلاعات لازم، از آیات و روایات منابع معتبر جمع‌آوری شد. سپس در قالب نظامی منطقی که مطابق تعریف منتخب، قابلیت ارائه باورهای کلی و هست و نیست‌های حوزه خانواده و خانواده‌درمانی را داشته باشد، دسته‌بندی گردید. این دسته‌بندی، در قالب باورهای کلی و هست و نیست‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی، فقهی و اخلاقی تدوین شد. در هر دسته، آنچه که در منابع اسلامی، در ایجاد و یا اصلاح ابعاد شناختی، رفتاری و عاطفی اعضای یک خانواده مطلوب مؤثر بود، درج گردید.

در این اثر با رویکرد قیاسی و با تکیه بر خلاقیت ذهنی و دانش پیشین، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل شد و به روش کتابخانه‌ای گردآوری گردید و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل منطقی و استدلال قیاسی گزاره‌های نظری جدید تولید و ارائه شد. این گزاره‌ها

۱. تقریر یعنی محقق شود که دیگران برخی وظائف دینی را در حضور ایشان [معصومین]: به‌گونه‌ای انجام می‌دادند و مورد تقریر و تأیید و امضای عملی ایشان قرار گرفته است؛ یعنی ایشان عملاً با سکوت خود، صحه گذاشته‌اند. (مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، کلیات علوم اسلامی، ج ۲۰، ص ۳۱).

می‌توانند مبنای جدیدی برای تحقیقات تجربی قرار گیرند (حافظ نیا، ۱۳۹۱، ص ۵۹-۵۸). با توجه به این که محقق، دانش‌آموخته حوزه علمیه است برای تدوین مبانی و اصول خانواده‌درمانی از روش استنباط از آیات قرآن و احادیث بهره گرفته است و برای این که آموزه‌های دینی را تحلیل و تفسیر کند از روش تحلیل محتوا استفاده کرده است.

در خلال بحث از مبانی خانواده‌درمانی، چیستی حقوق و وظایف اعضای خانواده و چیستی آسیب‌های خانواده بررسی گردید. یکی از مبانی ارزش‌شناختی "چارچوب‌های حقوقی" است و در این مبنا حقوق و وظایف اعضای خانواده ارائه شد. در مبنای آسیب‌پذیری هم، به ارائه انواع و عناوین آسیب‌های خانواده پرداخته شد.

اصول؛ برخاسته از مبانی

با نگاه به مبانی که حاوی «هست‌ها و نیست‌ها» است، «بایدها و نبایدها، دستورالعمل‌های کلی و قواعد عامه‌ای» استخراج می‌شود که «اصول خانواده‌درمانی» به‌شمار می‌آید. متناظر با یک یا بیش از یک مبنا، یک یا بیشتر از یک اصل استخراج شده است. اساساً در متون دینی، اصول بر مبانی تکیه دارند^۱ و مبانی منشأ اصول‌اند و اصول، برگرفته شده از مبانی^۲. البته ممکن است این اصول، همواره ترجمه مستقیم مبانی از «هست‌ها و نیست‌ها» به «بایدها و نبایدها» نباشند؛^۳ بلکه از اقتضاءات و لوازم آن مبانی به‌شمار آیند.

از بایسته‌های مبنای ربوبیت خداوند، خدامحوری در زندگی است. درک صحیح از ربوبیت خداوند، و این که دست‌اندرکار اصلی زندگی، خداست، این باور را به انسان می‌دهد که «همه کارها به خدا باز می‌گردد»^۴ و رشد، پیشرفت و سعادت، در گرو هم‌سویی و محور قرار دادن خدا در تمامی امور است.

وساطت فیض پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام و برگزیدگی آنان از سوی خداوند متعال، شایستگی ایشان را جهت الگوگیری در تمامی حوزه‌های زندگی به ویژه در حوزه خانواده، و

۱. باقری، خسرو (۱۳۷۹)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۸۴.

۲. فقهی، علی نقی (۱۳۸۷)، تربیت جنسی، ص ۳۲.

۳. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۸۸.

۴. «إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»، (شوری، ۵۳).



توسل به آنها در سختی‌ها و مشکلات، نشان می‌دهد. قرآن کریم دعوت به گزینش وسیله و واسطه، در ارتباط با خداوند می‌نماید^۱ که بهترین وسیله، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام هستند.^۲ وجود جهان پس از مرگ، مقتضی اعتقاد به معاد است. زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است.^۳ چنین باوری در زندگی خانوادگی، مسئولیت‌آور است. گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.^۴

از لوازم مبنای خیر و زیبا بودن جهان، خوش‌بینی و خوش‌گمانی در زندگی است. گاهی مصیبت‌ها و مشکلات، توهم شر بودن یا زشت بودن چهره خلقت را در پی خواهند داشت و گاهی برخی نادرستی‌های اطرافیان موجب بدبینی تعمیم یافته می‌گردد. پذیرش خیر و زیبا بودن جهان، آن دید را اصلاح و این بدبینی را تعدیل و در اندیشه اعضای خانواده، خوش‌بینی و در نگاهشان خوش‌گمانی بجا را ایجاد می‌کند.

اصل صبر، استقامت و تدبیر از تدریجی بودن تغییرات و جایگاه رنج و سختی بودن دنیا برداشت می‌شود. شرایط سخت زندگی و اخلاق اعضای خانواده به تدریج اصلاح می‌شوند و در مقابل مشکلات از راه حل تدبیر باید بهره جست. امام علی علیهم‌السلام با اشاره به زمان‌مندی سختی‌ها، صبر و استقامت را موجب پیروزی و رسیدن به مطلوب می‌دانند.^۵ امام علی علیهم‌السلام می‌فرمایند:

إِنَّ لِلنَّكَاتِ غَايَاتٍ لَا بُدَّ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَيْهَا فَإِذَا حُكِمَ عَلَى أَحَدِكُمْ بِهَا فَلْيَتَطَاطَأْ لَهَا وَ يَضْبِرْ حَتَّى يَجُوزَ فَإِنَّ إِعْمَالَ الْحِيلَةِ فِيهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا زَائِدٌ فِي مَكْرُوهِهَا.^۶

همانا برای سختی‌ها پایانی است که باید به آن برسد. پس برای انسان خردمند، زیننده است که هرگاه دچار سختی‌ها گردید، کنار آن بیارامد تا زمان آن به سرآید؛ چرا که دفع کردن آن، پیش از سر آمدن زمان آن، افزودن بر رنج آن است.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَانْتَبِهُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، (مائده، ۳۵).

۲. «وَنَحْنُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ وَ الْوَصْلَةُ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ»، (مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۳)، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۳).

۳. «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»، (عنکبوت، ۶۴).

۴. «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»، (اسراء، ۳۶).

۵. «لَا يَعْدِمُ الصَّبُّورُ الظَّفَرَ، وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»، (تمیمی آمدی (۱۴۱۰)، غررالحکم ودرر الکلم، ص ۷۸۹).

۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۳)، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۵.



انسان، معناگرا است و برای یافتن معنایی آرامش‌بخش و هویتی پایدار، باید دین را مدار زندگی خود قرار دهد. دین، به عنوان یک مجموعه منسجم که از خدا آغاز می‌شود و با حیات پس از مرگ تداوم پیدا کرده و در نهایت به رستخیز منتهی می‌شود، زندگی انسان را معنا می‌بخشد. این باورهای دینی و رفتارهای متناسب با آن، به زندگی اعضای خانواده، معنا، هویت و انسجام می‌بخشند.

زیبادوستی انسان، مقتضای رعایت پاکیزگی و آراستگی و زیباسازی فضای زندگی است و برای به انحراف نرفتن این گرایش، باید عفت‌ورزی داشت.

اعضای خانواده به حکم انسانیت، از کرامت برخوردارند؛ بنابراین باید همسر و فرزندان مورد تکریم قرار گیرند و می‌بایست در جهت حفظ کرامت آنان، سپاسگزار و قدرشناس بود چرا که مسلماً، بی‌اعتنایی به زحمات و خدمات افراد، متناسب با کرامت آنان نیست و به شخصیت آنان لطمه می‌زند.

ضعف و نقص انسان، اقتضا دارد در زندگی خانوادگی و در تعامل اعضای خانواده با یکدیگر، با نرمش، رفتار شود و به اصول رفق و مدارا، بخشش و گذشت، عذرخواهی و عذرپذیری و انتقادپذیری توجه گردد. پذیرش ضعف‌ها و نقص‌ها و رعایت اصول مذکور در محیط خانواده، از گسست‌ها و کشمکش‌ها جلوگیری می‌کند.

لازمه وجود تفاوت‌های جنسیتی در خانواده و مبنای مکملیت زن و مرد، همچنین اقتضای سیستمی بودن خانواده، حفظ جایگاه‌های خانوادگی و رعایت مرزهای خانوادگی است. خانواده یک سیستم است که باید هر عضوی با توجه به نقش جنسیتی خود، مکمل کارکردهای دیگر اعضا باشد.

همچنین پاسخ صحیح و پایدار به نیاز انسان به انس و الفت اقتضای رعایت اصول گفت‌وگو و هم‌نشینی سالم، نیک‌رفتاری و محبت‌ورزی، همدلی، توافق و تفاهم، راست‌گویی، یکرنگی، امانت‌داری و نفی خشونت است. هریک از این اصول، ضامن ایجاد و پایداری انس و الفت اعضای خانواده است و نبود یا نادرستی هریک، در پاسخ‌گویی به این نیاز خلل به وجود خواهد آورد.

اعضای خانواده در چارچوبی صحیح، به دیگران و به یکدیگر نیازمندند؛ بنابراین، باید با



هم همکاری داشته باشند تا به نیازهای خود پاسخ جمعی دهند و در مواقع لزوم از مشاوره بهره گیرند. همچنین در مواقع وقوع نزاع، باید حکمیت بزرگ‌ترها را پذیرا باشند.

از ارزشمندی و تقدس ازدواج و خانواده، اصل ارضاء متعادل و صحیح گزینه جنسی برداشت می‌گردد و باید برای استحکام این نهاد ارزشمند، به نقش مدیریت متعادل خانواده توجه داشت. نمی‌توان تصور کرد ارزش‌های ازدواج و تشکیل خانواده بدون پاسخگویی صحیح به نیازها و مدیریت متعادل آن به‌دست آید.

در پی مبنای قرآنی قیومیت مرد، اصل فرمان‌برداری زن نسبت به شوهر و اصل برخورد صحیح اسلامی با همسر ناسازگار (نشوز زوج) مطرح می‌گردد. در خانواده، مرد، قوام بر زن است و زن برای تحقق خانواده مطلوب، در چهارچوبی معین، از همسرش، پیروی می‌کند؛ اما در صورت نافرمانی، اسلام نحوه برخورد صحیح با این مشکل را بیان کرده است که باید از حدود آن، تعدی صورت نگیرد. اسلام، در خصوص کج‌رفتاری مرد نیز چهارچوبی را تعیین کرده است.

مبنای ارزشمندی فرزند و فرزندآوری، حفظ فرزند و فرزندپروری صحیح را در پی خواهد داشت. در روایات زیادی پس از اشاره به ارزشمندی فرزندآوری، به سبک صحیح فرزندپروری و آداب تربیت فرزند پرداخته شده است.

بر مبنای چارچوب‌های حقوقی، اصل رعایت حقوق و انجام وظایف استنتاج می‌گردد. خانواده بر مبنای وظیفه‌محوری و حقوق‌مداری به انسجام و رشد دست خواهد یافت. بنابراین برای رسیدن به این هدف، باید حقوق رعایت گردد و وظایف متقابل اعضای خانواده، انجام شود.

توجه به نقش آسیب‌های خانواده در گسست آن و ایجاد مشکلات، ما را به اصل لزوم ترک عوامل آسیب‌زا می‌رساند. پیامبر ﷺ فرمودند: «إِحْذَرُوا أَنْ يَنَالَكُمْ بِخِلَافِ أَمْرِ اللَّهِ»^۱ از هر آنچه خلاف دستور خداوند است دوری کنید» و به‌طور حتم، دچار شدن به آسیب‌های خانواده خلاف دستور خداوندی است که خانواده، دوست‌داشتنی‌ترین بنا نزد اوست.

۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۳)، بحارالانوار، ج ۹، ص ۱۸۵.

نمی‌توان گفت در اسلام، اصلاح ذات‌البین، وساطت در تشکیل خانواده و اصلاح روابط خانوادگی، از مطلوبیت برخوردارند اما حدود و ضوابطی برای آنها مشخص نشده است. مسلماً برای رسیدن به رضای الهی در مطلوبیت‌های مذکور، باید در مداخلات خانواده‌درمانی، حدود فقهی و اخلاقی، رعایت گردد.

کاربردها

۱. آگاهی از مبانی و اصول خانواده‌درمانی بر اساس منابع اسلامی، در جنبه‌های گوناگونی کاربرد خواهد داشت. برخی از این موارد را ذکر می‌کنیم:
۲. منبعی برای درمان اسلامی مسائل خانوادگی
۳. منبعی برای ارائه الگوی اسلامی خانواده‌درمانی
۴. منبعی برای درس خانواده‌درمانی اسلامی و دروس مشابه (جهت تدریس یا ارجاع)
۵. منبعی برای پژوهش‌های کاربردی در حوزه مسائل خانواده
۶. تأمین محتوای جلسات آموزش خانواده، اولیا و مربیان و رسانه‌های حوزه ازدواج و خانواده
۷. استفاده از سرفصل‌های این تحقیق، جهت فراخوان مقالات علمی در حوزه درمان مسائل خانواده بر اساس منابع اسلامی

خلاصه فصل

آنچه در این فصل، در قالب کلیات و مفاهیم گذشت این بود که ابتدا بعد از ذکر مقدمه‌ای، به بررسی مفاهیم کاربردیِ بعضی از کلیدواژه‌ها از جمله مفاهیم لغوی و اصطلاحی عباراتی همچون: مبانی، اصول، خانواده، خانواده‌درمانی و منابع اسلامی پرداخته شد و در ادامه، روند‌گزینش و جمع‌آوری مبانی بر اساس یک سیر مشخص پژوهشی «هست و نیست» و «باید و نبایدها» تبیین شده و در آخر چگونگی‌ابتنای اصول بر اساس این مبانی مانند اصول خدامحوری در زندگی، وجود جهان پس از مرگ، خوش‌بینی و خوش‌گمانی در زندگی، اصل صبر و استقامت و ... نیز ارائه شده است.

فصل دوم

مبانی و اصول هستی‌شناختی

مبانی هستی‌شناختی

هستی‌شناسی به منزله برجسته‌ترین مسئله از مسائل جهان‌بینی، مسئولیت تنظیم و ارائه پاسخ به پرسش‌هایی ناظر به هستی، مبدأ و مقصد هستی را برعهده دارد. همچنین بررسی احکام و قوانین حاکم بر هستی نیز بخشی دیگر از مسائل و دغدغه‌های این شناخت است. چگونگی شناخت و فهم نسبت به هستی، تأثیر مستقیم بر چگونگی تبیین و تدوین علوم انسانی دارد. دین اسلام با پشتوانه وحی، تعریفی از هستی ارائه کرده است که فراتر از داده‌های علمی، ذهنی و تجربی بشر است. پاسخ‌ها به مسائل یادشده از دیدگاه اسلام، پشتوانه مبنایی مداخلات در نهاد خانواده به‌عنوان یک نهاد پویا در گستره هستی است. چگونگی شکل‌گیری ذهنیت اعضای خانواده نسبت به هستی و قوانین آن، می‌تواند در اصلاح خداینده، اسنادهای ذهنی رویدادهای زندگی و تنظیم روابط بین‌فردی آنها موثر باشد. در ادامه به مبانی هستی‌شناختی مرتبط با خانواده‌درمانی پرداخته خواهد شد.

(۱) ربوبیت خداوند

به‌طور مسلم و به استناد دلیل‌ها و براهین زیاد، هستی، دارای آفریننده‌ای است. قرآن کریم با بیان اینکه در وجود خدا، شکی نیست،^۱ به غفلت‌زدایی از انسان‌ها در خصوص وجود و حضور خدا اهتمام می‌ورزد^۲ و با یادآوری افعال الهی^۳ و نعمت‌هایی که خدا به انسان‌ها ارزانی داشته^۴ بندگان را به ربوبیت و هدایت‌گری خداوند توجه می‌دهد. خداوند خود را رب و پرورش‌دهنده موجودات معرفی می‌نماید.^۵ در تفسیر رب، گفته می‌شود که او صاحب اختیار موجودات است و اداره موجودات را برعهده دارد. همچنین تصرف مطلق در موجودات از آن اوست و کسی نمی‌تواند مانع و مزاحم تصرفات وی شود. خداوند شئون همه موجودات، از جمله انسان را اداره می‌کند. هر کس، هر کجا و در هر شرایطی قرار دارد، اگر خدا را صدا بزند، خداوند حاضر است و به او پاسخ می‌گوید و به تفصیل درخواست همه را می‌داند. چنان نیست که او از خواست عده‌ای آگاه شود و از خواست دیگران بی‌خبر بماند. اگر زمانی همه افراد بشر از او درخواست کنند، او حاجت تک‌تک آنان را می‌داند و نیز بر آنچه در ذهن و دل هریک از انسان‌ها می‌گذرد، آگاه است؛ چون هیچ‌گونه محدودیتی در علم، آگاهی و حضور خداوند نیست. چنان‌که در دعا می‌خوانیم:

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يَا مَنْ لَا يَغْلِظُهُ السَّائِلُونَ، يَا مَنْ لَا يَبْرُمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلِحِّينَ؛^۶
 ای کسی که هر صدایی او را از شنیدن صدای دیگر باز ندارد! ای آن که حاجت‌مندان او را به اشتباه نیفکنند! ای آن که اصرار نیازمندان او را ملول نسازد!

(۲) لزوم واسطه فیض

موجودات عالم به دلیل نقص و فقر ذاتی که دارند نمی‌توانند مستقیماً با ذات ربوبی و

۱. «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَأَطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، (ابراهیم، ۱۰).

۲. «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»، (علق، ۱۴).

۳. «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَلْتُمْ تَفَكُهُونَ»، (واقع، ۶۵-۶۳).

۴. «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»، (بقره، ۲۳۱).

۵. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، (حمد، ۲).

۶. محمد بن نعمان (شیخ مفید) (۱۴۱۲)، مالی، ج ۱، ص ۹۱.



خالق هستی مرتبط شده و فیض از آن فیاض مطلق دریافت کنند، و این مهم را می‌بایست واسطه‌ای که خداوند او را برای چنین امری اختیار کرده است انجام دهد و این واسطه جز حجت الهی در هر زمان و امامان معصوم علیهم‌السلام نخواهد بود. به این جهت اولین انسانی که بر روی زمین می‌آید حضرت آدم علیه‌السلام است که خود حجت الهی و پیغمبر است. واسطه فیض بدین معناست که تمام کمالات هنگامی که از خداوند به عالم هستی افاضه می‌شود، لزوماً از طریق واسطه‌هایی صورت می‌گیرد که دارای مرتبه وجودی برتری نسبت به سایرین هستند. در قرآن کریم از سلسله اسباب و واسطه‌هایی نام برده شده که دارای مراتب گوناگونی است که از جمادات تا فرشتگان را به طور تکوینی شامل می‌شود. اما بالاترین واسطه‌ها، پیامبران بزرگی هستند که آیات قرآن، آنان را مایه رحمت و دفع عذاب می‌داند. از دید روایات اسلامی، نیاز به «حجت» تنها در بعد تشریعی و هدایتی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ضرورت وجود آنان در همه زمان‌ها به دلیل نیاز تکوینی به واسطه فیض بودن آنان است. استدلال عقلی-فلسفی محکمی در لزوم واسطه‌های فیض وجود دارد. بر اساس آن که نظام هستی بر اساس اصل علیت بوده و این که هر امری از طریق اسباب خود انجام می‌شود، ضرورتاً واسطه‌هایی میان خداوند و دیگر موجودات باید باشد تا هستی و همه کمالات از مجرای آنان به دیگران سریان یابد. در فرهنگ شیعی، وصایت و جانشینی نبی مکرم اسلام و خاتم پیامبران، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و در راستای تکمیل رسالت، با عنوان «امامت» شناخته می‌شود و این جانشینی برعهده چهارده امام پاک و معصوم علیهم‌السلام گذاشته شده است.^۱ از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که:

أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ ... ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم وَنَحْنُ.^۲

خداوند ابا دارد که اشیاء را جاری کند به جز به وسیله اسباب. ... آن [اسباب]، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و ما [ائمہ معصومین علیهم‌السلام] هستیم.

۳) وجود جهان پس از مرگ

در جای جای قرآن مجید بعد از موضوع ایمان به خدا، ایمان به جهان دیگر آمده و تقریباً

۱. صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۹۰)، «شاخص‌های خانواده کارآمد».

۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *اصول کافی*، ج ۱، ص ۱۸۳.



در سی‌آیه، این دو موضوع را قرین هم قرار داده و «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» یا تعبیری شبیه آن فرموده است و در بیش از صد آیه اشاره به «اليوم الآخر» یا «الآخر» فرموده است.^۱ آفرینش، به زیستن در دنیا ختم نمی‌شود. قرآن کریم، در پی زندگی دنیوی، حیات اخروی را به عنوان زندگی واقعی مطرح می‌نماید.^۲ دنیا کشتزاری است برای آخرت^۳ تا انسان برای موفقیت اخروی، بهترین تلاش‌ها را داشته باشد.^۴ توصیفی که در کلام وحی در خصوص مرگ بیان شده، بیانگر این است که رستاخیز و حسابرسی اعمال انسان به عنوان فرآیندی طبیعی، محقق خواهد شد و مرگ به معنای فنا و نیستی، مفهومی است که با هدفمندی آفرینش و آفریدگاری خدا در تضاد است. قرآن کریم، آفرینش را هدفمند معرفی می‌نماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»^۵ و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم». وقتی خلقت عالم به منظور بازی نبود، قهراً هدف و غایتی دارد و آن غایت همان معاد است.^۶ همان گونه که در خصوص آفرینش انسان می‌فرماید:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.^۷

آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید. هدفمند بودن عالم، ابعاد گوناگونی دارد؛ از جمله امتحان الهی، علم و معرفت، عبادت، بندگی خدا، قرب الهی و خلیفه‌اللهی.^۸

مشوق‌های مربوط به زندگی اخروی، در قبال انجام مسئولیت‌های خانوادگی چه در رابطه زن و شوهر و چه در رابطه والدین و فرزندان، می‌تواند به ایجاد انگیزه و تشویق آنها بیانجامد.^۹

۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۲)، پیام‌قرآن، ص ۱۷.

۲. «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»، (عنکبوت، ۳۴).

۳. «الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ»، (ورام بن ابی فراس (۱۴۱۰)، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۸۳).

۴. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيَكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا»، (هود، ۷).

۵. انبیاء، ۱۶.

۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۶۶.

۷. مومنون، ۱۱۵.

۸. غفاری قمی، اسماعیل (۱۳۹۰)، هدفمندی خلقت انسان از منظر قرآن و روایات، ص ۳۲.

۹. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، زوج‌درمانی اسلامی، ص ۲۳۲.



۴) خیر و زیبا بودن جهان

از دیدگاه اسلامی، نظام فعلی عالم خلقت، بهترین نظام قابل تصور است. اساس این دیدگاه، بر این است که خداوند، حکیم است و حکیم بودنش نیز اقتضا می‌کند که بهترین و کامل‌ترین جهان را بیافریند. در قرآن کریم، به همین مطلب اشاره شده که: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»؛ همان کسی که هر چیزی را که آفریده، نیکو آفریده است.^۲ جهان به باطل و بازی و عبث آفریده نشده است، هدف‌های حکیمانه در خلقت جهان و انسان در کار است، هیچ چیزی نابجا و خالی از حکمت و فایده آفریده نشده است. نظام موجود، نظام احسن و اکمل است.^۳ این دیدگاه مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است. جهان‌بینی توحیدی یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر، جود، رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است.^۴ این معنا در قرآن کریم، این گونه آمده است که: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»؛ پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.^۵

شاید سؤال و اشکالی پیش آید که پس وجود شرور در عالم چیست؟ چون بهترین عالم‌ها، عالمی است که هیچ شری در آن نباشد. در پاسخ گفته شده است که اگر با نگاهی واقع‌بینانه به این شرهای ظاهری بیاوریم، خواهیم دید که شر آنها ذاتی نبوده؛ بلکه اعتباری است و در برابر هریک از شرور، حکمت‌هایی نهفته است که وجود آنها را موجه می‌کند. به عنوان نمونه آیت الله شهید مطهری^۶ این پرسش و پرسش‌های مشابه آن را تحت چهار عنوان: «تبعیض‌ها، فناها و نیستی‌ها، نقص‌ها و آفت‌ها» طرح کرده است. از این چهار نوع، قسمت اول را تحت عنوان «تبعیض‌ها» و باقی را تحت عنوان «شرور» پاسخ داده است. قرآن کریم در تبیین پدیده‌های ناخوشایند این عالم این گونه می‌فرماید:

۱. سجده، ۷.

۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۸۵.

۳. همان، ص ۸۳.

۴. طه، ۵۰.

۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۱۱۲.

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ^۱.

هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفس‌های شما [به شما] نرسد، مگر آن که پیش از آن که آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید.

اگر این آموزه قرآنی، به عنوان نگاه اعضای یک خانواده به پدیده‌های هستی و حوادث زندگی نهادینه شود، بنابر مفاد آیه شریفه، دیگر، ناملایمات، مشکلات، مصائب، شکست‌ها و ناخوشایندهای زندگی، امید و نشاط را از او نخواهد گرفت و انگیزه تلاش و حرکت روبه جلو را در او کاهش نخواهد داد.

واقعیت این است که همه چیز بر اساس تقدیر الهی رقم می‌خورد. تلخ و شیرین زندگی، تحت برنامه‌ای منظم، هدفمند و حکیمانه قرار دارد. وقتی بدانیم که سختی‌های زندگی، بر اساس تقدیر خداوندی رخ داده که رحیم، علیم و حکیم است، بدون شک، این باور، رنج مصیبت را کاهش و موقعیت ناخوشایند را تحمل‌پذیر می‌سازد.^۲

(۵) تدریجی بودن تغییرات

تدریج و تکامل، قانون الهی و سنت الهی است.^۳ مبنای تدریج در نظام تکوین و تشریع، مبنایی پذیرفته شده است. اخلاق آدمی که از آن می‌توان به سیمای باطن یاد کرد، بخشی از نظام تکوین است که برای تحوّل و تغییر، نیازمند زمان است.^۴ انسان‌ها به گونه‌ای آفریده شده‌اند که هریک از آنها یک فرد مستقل هستند و هیچ دو نفری را نمی‌توانیم بیابیم که از همه جهت‌ها شبیه هم باشند.^۵ پس از شکل‌گیری نهاد خانواده و پیوند دو انسان به تدریج، شناخت متقابلی در این فضای جدید، شکل می‌گیرد؛ اما توقع دفعی بودن حصول چنین

۱. حدید، ۲۲ و ۲۳.

۲. پسندیده، عباس (۱۳۹۲)، رضایت زناشویی، ص ۲۷۰.

۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹.

۴. «الأمور مَرهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا»، (مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۳)، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۷).

۵. رجبی، فاطمه (۱۳۸۶)، «والدین و چند اصل مهم در تربیت فرزندان».